یزدهم‌میان انجمان ایرانی تاریخ
سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸

تقویم جریان اتفاق بر تاریخ‌نویسی سنتی در ایران عصر قاجار

عباس قدمی قیداری

چکیده

در سال‌های پایانی حکمرانی ناصرالدین شاه و دوران حکمرانی مظفرالدین شاه، تاریخ نویسی سنتی ایران به شیوه جدید، دگرگون شد. این دگرگونی، نتیجه ارتباط با اندیشه‌گران جدید اروپایی بود. میرزا فتحعلی اخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی از نخستین اندیشمندانی بودند که اتفاقات تاریخی نوگرایان در تاریخ نویسی را به کار بردن و دیگران راه آنها را دنبال کردند. در این مقاله روند تکوین جریان اتفاق بر تاریخ‌نویسی سنتی در ایران عصر قاجار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه، اتفاقات تاریخی، روش‌نگاران، مورخان، تاریخ‌نویسی سنتی.

---

1 استناد گروه تاریخ دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۸
تاریخ تایید: ۱۳۸۸/۷/۲۸
مقدمه
موضوع این مقاله گزارش جریانی است مربوط به تاریخ‌گزاری ایرانی در دوره قاجار. مطالعه
درباره تاریخ‌گزاری ایرانی روی تکوین، تداوم و تحول آن و به‌خوبی از ماهیت و عرصه سازندگی
مواد معنوی، سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیک این دانش برسری، تا حدودی در بین
مطالعات تاریخی با کم‌توجهی محضانه و پژوهشگران تاریخ ایران مواضعشده است. این مقاله در
حدود گنجایش و ضریف‌های فهم‌گیر و جریان جنبی، اما مهم و اساسی را در حوزه تاریخ-
نگاری به بحث و بررسی گذاشته است. این جریان و حکمت فکری انتقادی مربوط است به
پیداش ثکف انتقاد بر تاریخ نویسی سنتی ایران در عصر قاجار. عصر قاجار عصر سرموشست ساز و
مهمی است که در آن اندیشه و تفکر سنتی ایرانی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به کمال
کشیده شد. تاریخ‌نویسی ایرانی نیز به عنوان یک حوزه ویدیه افکار، لاچر از این چالش بر
کتار نامند و از تابعی برخی اندیشه‌گران ایرانی، مورد انتقاد قرار گرفت. درباره روشنفکران
عصر قاجار پسیار سخن گفته شده و تحقیقاتی با ارزش‌های متفاوت درباره وجوه مختلف
اندیشه‌هاي آنان صورت گرفته است، اما به یک چنین از نظام فکری آنان که در رابطه با تاریخ
نگاری است، کمتر توجه شده است. این مقاله بنابراین از دیدگاه‌های انتقادی برخی متکرران
برجوی و مورخان عصر قاجار بر تاریخ‌نویسی سنتی ایران را در متن یک جریان پیوسته و
تأییدگذار تبیین نماید، و زمینه‌ها و عوامل ظهور اندیشه‌ای انتقادی، بیشینه‌ی تفکر لزوم اصلاح
تاریخ نویسی سنتی ایرانی و ماجراي تحلیلی و مستند تكوين و شکل‌گيري انتقاد علمی بر تاریخ-
نوبسي عصر را، با اندازه به آراء و نقش متکررانی چون آخوندزاده، کرمانی، طالبوف و مراغه‌ای
و مورخان مانند خورشیدی، اعتمادالسلطنه، افضل‌المالک و میرزا شکرالله سنندجی، هرکدام به
فرآور سهیمی که در شکل‌گیری این جریان انتقادی نو ایفا کرده اند، بررسی و تحلیل کرد. با
توجه به همین موضوع در پنجره تاریخی ۱ تحقیقات در این زمینه از پیشنهاد پرماری برخوردها
نیست. به دیدگاه‌های انتقادی آخوندزاده و کرمانی درباره تاریخ نگاری در ضمن بحث از

۱- انتقاد یا نقدهلی در اینجا به معنای انتقاد بر شیوه‌ی تاریخ‌نویسی سنتی به کار گرفته شده است. نه به عنوان گونه‌ای نقد ادبی.
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی تاریخ

زمینه و بستر تاریخی ظهور اندیشه‌ای انتقاد بر تاریخ نوستی

تاریخ‌گزاران ایران از تكوین تا پایان قرن سیزدهم ق. روند هزار ساله، به جز پارامثای استثنایی، تاکید کرده است. جنبه‌های ایران و روس که چشم و گوش برخی ایرانیان تقریب‌های خواه را به دنبال چیده‌گوش، زمینه‌های نخستین از دستاوردهای فکری و مادی تبدیل چیده از وابستگی با ایران موجب شدند. از دستاوردهای جدید فکری غرب که مورد توجه قرار گرفت تاریخ و تاریخ‌نگاری جدید اروپا بود. آشنایی با تاریخ جدید اروپا و نیز آثار تاریخ‌نوسان جدید و نامی اروپا که ابتدا از طریق ترجیح حاصل شد به همراه عوامل دیگر که اشاره خواهم کرد: به تدریج زمینه‌های تجل که تاریخ‌نگاری و تاریخ‌گزاران انسان‌دسته‌گرای و اصلاح‌طلبان و مورخان ایرانی را در آینده فراهم ساخت. ترجیح به کتاب‌های تاریخی و آثار تاریخ‌نوسان جدید اروپا در عهد عباسی- میرزا تایب السلطنه، آغاز شد. در دوره‌ی محمدشاه ادامه یافت و در دوره‌ی ناصری به اوج خود رسید.

1 - به عنوان نمونه، رک: دو مقاله منتشر در کتاب تاریخ‌نگاری بر ایران، ترجیح‌ی بهبود آن‌اند، با عنوان: "تاریخ‌نگاران ایران در سده‌".

محل تولد و بیست و "تاریخ‌نگاری دوره قاجار".
پژوهش‌نامه اعتماد ایرانی‌های تاریخ

رسید ۱ عوامل دیگری را که در کنار ترمجه آثار تاریخ نویسی اروپایی در ایجاد زیمینه تحلول فکر تاریخ نویسی و تاریخ نگری مؤثر افتاده می توان چنین بیان کرد:

ترجمه‌ای آثار مورخان اروپایی درباره تاریخ ایران از جمله سراج‌الملک، مارکوم، کلمت و رالینسون و تأسیس مدرسه دارالفنون، سفیران‌های ایرانیان از اروپا و اعضا دانشجویان که از دوره عباس میرزا در تبریز آگاه شد و از این نظر می توان به آنها افزوده ی به ویژه در میان این عوامل، سفرنامه‌ی میرزاکریم شیرازی، نقش مهمی داشت. میرزاکریم شیرازی از کسی دیگر سفرنامه‌های خود را به تاریخ انگلستان و روسیه اختصاص داد و تلاش نمود با نگارش‌های یافته ترکیب، پیشرفت و های انگلستان را نشان دهد. میرزاکریم شیرازی تا اینجا فرحکی، مقدم و اجتماعی تاریخ انگلستان در متن سفرنامه‌های خود گزارش نمود و دیدگاه‌های جدید را با بازیابی تو و پرداخته و ساده مطرح ساخت. سفرنامه‌ای از جنگ‌های شکفتگی در میان ایرانیان نفوذ کرد و در چندین پیشرفت یافت. مجموع این عوامل این حذف‌های زیبایی تغییر و تحلول تفاوت تاریخی را به تدریج به وجود آورد و جوی داد. تفاوت و تفاوت‌های انجام‌داده‌ها از تاریخ نویسی در اینجا نسبت به تاریخ تاریخ نویسی فراگیر و اینکه که به اجمال گفت شد در تغییر و ترکیب اندوه و فکر تاریخ نویسی ایرانیان بود، اما عواملی نیز در تحلول ذهنی و حقیقی ایرانیان مؤثر اقتدار که در کنار موارد گفته شده زمینه و بستر تفکر اقتداری و عقلانی در حیطه‌های تاریخ و تاریخ نویسی و اقتدار به سمت تاریخ نویسی کهن را می‌توان‌دید.

1. بارا آگاهی از برود ترمجمه اکثریت تاریخی در دوره قاجاریه رک: محمود‌دربست. "به‌فیکه ترمجمه در هدف قاجاریه"، نگاه، سال ۱۳۵۳، ص ص ۱۹۰-۱۹۲ ص ص ۱۳۷-۱۳۹
2. بهزاد نمکی و شوری. ۱۳۵۲، ص ص ۱۰۸-۱۰۰؛ بارا آگاهی از برود ترمجمه و موطن سکون از دو درجه ترمجمه شده در دوره از دو مورد محسوس و ناولدن‌دریک. مکان: نهادهای ملی ایران، ج ۱، ص ص ۸۷-۱۳۷
3. بیان و درجه ترمجمه کتاب‌های تاریخی رک: میر اکبر زوردری (۱۳۷۲)، ساختارهای به ایران و از ایرانیان، تحت تهیه مجموع صاحب‌تشریی. تاریخ نویسی، ص ص ۳۳۵-۳۳۱، فردوین آباد (۱۳۷۸)، امپراتورهای ایران، تئاتر، خوارزم، ص ص ۳۳۷-۳۳۵ و درباره اعراب‌نگارانش نیز رک: بیان ارزی (۱۳۷۸) "شرایط، "شاه‌نامه، "موجودی، "تاریخ نویسی ایرانیان چنین چنین، ص ص ۱۳۷
4. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
5. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
6. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
7. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
8. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
9. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
10. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
11. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
12. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
13. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
14. میرزاکریم شیرازی (۱۳۷۵)، سفرنامه، به کوشش طراحی‌نورم ص ص ۱۱۷-۱۱۹، تاریخ نویسی، ص ص ۲۳۳
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی‌تاریخ ۵

ایجاد کرد. در اینجا نیز ترجیه، نقش اساسی ایفا نمود. در دوره‌ی ناصری ایرانیان برای نخستین بار از طریق ترجیه بی‌آثار فلسفی، علیه و علمی دانشمندان و فلاسفه‌های اروپایی آشنا شدند و اندیشه‌های جدیدی فلسفی و عقلی به دنیا و فکر ایرانیان راه یافت. در سال ۱۲۸۷ ق. کتاب گفتار در روشی که کار بردن نظر اثر معرفت دکتر، با عنوان حکمت ناصریه یا کتاب دیکرت به فارسی درآمد. مشورت و بانی ترجیه‌ی این کتاب، کنت دومیگوئین، کاتالان سفارت فرانسه در ایران بود. یکسال قبل از ترجیه‌ی این کتاب، علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، فلسفه و سماهه را بر پایه‌ی تحقیقات نیوتون و آرای ابرهیمن پیری و انبورن فارابی به نگارش درآورد. در این سال‌ها مهم‌ترین نصیحت‌کاوشی این کتاب، کتابی است که انتخاب مناسبه‌ی داوری را با عنوان عالم نامه به فارسی درآورده است. حکمت ناصریه یا کتاب دیکرت، کتابی است که در تدریج در افکار فیلسوفان و اندیشندگان ذهن انسان ایران را تغییر و تفکر علمی را بینانی نهاد و "من می‌اندیشم، پس هستم" را گوید. منظومه‌ی فکری اندیشه‌گران ایرانی کرد و فلسفه‌ساده‌ی اعتضادالسلطنه در نفوذ خرافه‌برشته و باورهای پی‌اساس و پویس‌ی به احکام تجربی در زندگی و حیات فردی و جمعی ایرانی و القای آزادی و اختیار و اراده‌ی انسانی نقش مهمی ایفا نمود. این کتاب‌ها که خواندنگان و مطالعه کننده‌ی قرن‌های یافتن به طور کلی در تحلیل ذهنی و عمل‌های ایرانیان مؤثر افتادند. آشنایی با آن و نظيان متفکران اروپایی چون آگوست کانت، برنارد هیوم، جان لک، جان استوارت مک، و زان داک روسو نیز اندیشی‌های انتقادی در نژاد اندیشه‌گران ایرانی را به تدریج پپر خورده باید. برخی آثار متفکران این اندیشه‌ها در عهد مهدوشا شاه، به سفارش حاج میرزا آقایی از فرانسیس تهیه گردید و به ایران ارسال شد که از جمله‌ی آنها می‌توان به کتاب معرفت دکتر که در بالا به آن اشاره شد و کلیه‌ی سیستم‌های مورو و اقتصادی اسلامی اشک و سیاست‌مدار و تاریخ‌نگار فرانسوی، تاریخ بریتانیا که از دویده‌های هیوم، فیلسوف و مورخ ایلیستس، کلیات پاسکال و کتکه‌ای دیگری در حوزه‌ی علمیه‌ی دیگر؛ شیعی و پزشکی نیز دیده می‌شود. حاج میرزا آقایی به میرزا محمدرضا خان سفیر ایران در فرانسه، دستور داده بود که این کتاب‌ها برای پژوهش‌نامه اخمن ایرانی‌تاریخ ۵
پژوهش‌نامه‌ای اخیر ایرانی تاریخ/۶

ایران ارسال دارد. نگاهی به نام و موضوع کتاب‌ها نشان از نوع مشغله‌ی ذهنی و گراش‌های فکری زمانه‌ی دارد. ۱

به این ترتیب تولید اطلاع‌رسانی تاریخی و نیز تحول ذهنی و عقلی در میان نخبگان ایرانی، سهم‌هایی از آن‌ها اقتدا نسبت به باورها و اعتقادات سنتی که وابسته به نظام سلطنتی و دینی ایران بوده‌اند. این جنبه از تاریخ وجود دارد که منجر به شکوفه‌ی ایاق و ادبیات ناپایدار و اینجا از نظر دینی است که از دید ایاق جزئی پیامدهایی نظام سلطنتی را در بر می‌گرفته است. ادبیات سنتی به نظام سیاسی حاکم و باورهايل رهبران دینی تاریخی داشت و انتقاد از ادبیات به نوعی انتقاد از نهادهای فرهنگی و اجتماعی نظام سنتی را نیز شما می‌شود. جریان انتقادی و انتقاد عمیق و اندیشیده برمن وقت تاریخ نویسی به این ترتیب در ادیه و هنر اندیشه‌های ایرانی در دهه‌های نخستین دوره تاریخ نازک و به تدریج در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. در این دوران، تأکید اصلی بر انتقاد تاریخی یا جریان انتقاد عملی در سنت تاریخ نویسی کهن است. اما لازم است قبل از برداختن به جریان انتقاد تاریخی، به اختصار به سایه‌ی توجه به اصلاح شیوه تاریخ نویسی در نزد مورخان سنتی در آغاز دوره قاجاریه اشاره گردد.

قبل از آن‌هایی ایرانی‌ها به دیدگاه‌های جدید در تاریخ نویسی و ضرورت اصلاح شیوه تاریخی نگاری، دستی در برخی از نوشته‌های مورخین سنتی توجه به معاینه این نوع تاریخ نویسی دیده می‌شود که می‌توان آنها را نخستین تأکید نهادهای سنتی بر تاریخ نویسی‌ی رایج عصر دانست. از میان این نوشته‌ها می‌توان به رساله‌ای که آنها نقد و بررسی کتاب‌هایی از تاریخ، به خود گرفته و در سال ۱۳۶۳ از هنر به زبان فارسی نوشته شده است، اشاره کرد. این رساله را می‌توان نخستین نوشته مسئله از انتقاد تاریخی نامید. در صدر دوره قاجاریه از سمت تاریخ نویسی‌های سنتی که حاوی مطالب انتقادی از تاریخ نویسی‌ی رایج عصر دانست می‌توان از فارابی/صفویه‌ی ایوب‌الحسن قزوینی و تاریخ نویسی‌های میرزا فضل الله خوئری شیرازی نام برده. در قزوینی در قوانین‌صفویه، تاریخ نویسی‌ی رایج عصر و تاریخ نویسی‌سر را از تاریخ گرفته و دیواره‌ها و موانع سیاسی، اجتماعی و...

۱- هم‌نام‌های (۱۳۸۹) ایران در بازیابی افتخارنگاری، تهران: ماهنامه ادبیات ۴۹.
۲- «نقد و بررسی قبایل‌های از تاریخ» به کوشش احمد شریفی، ایران آهنگ نامه ادبیات ۱۳۷۷/۸، تهران: ماهنامه ادبیات ۴۹/۲۸۹.
یزوهشنامه اخشن ایرانی تاریخ/7

اول صدر قاجاریه است، با طرح دیدگاه‌های جدید در باب تاریخ نویسی، ضمن انتقاد از تاریخ نویسی رایج، نکاتی را در اصلاح شیوه تاریخ نویسی استیلیک، و حتی شیوه تاریخ نویسی دور معرف این اصلاح قاجاریه را با انتقاد می‌گیرد. با وجود طرح چنین دیدگاه‌های انتقادی، نمی‌توان این انتقادات را به یک هرگز از شکل سنتی و محدود قرار نرتفع در تحلیل تاریخ نویسی استیلیک، راجع اینکه انتقاد به شیوه تاریخ نویسی حتی در بین تاریخ نویسین سنتی و ادبیان دوره بوده است. این صفت، گفتگوی که به فکر می‌کرد، در ایران توجه کرد که در گوییند کاردار دانشمند و آشنایی به تاریخ و فلسفه ایران و شرکت سفارت فرانسه در ایران بود. گویی به آخرين تاریخ نویسان بزرگ سنتی ایران - رضا قلی‌خان هنایت و میرزا محمدتقی خان سپهر آنتنی نزدیک داشت و همود که با تهران‌ی رساله‌ی عقلی دکارت گرید. از دیدگاه گوییند که گوییند در کشورهای خاور زمین، تقصیر علمی رابطه نبود، حال آنکه تنقید علمی که از ابتدای جدید اروپا بر موسکافی و سرانجام دستیابی به علوم و اختراعات در اروپا شده است. این زبانی ساده می‌نویسد: امروز ما دارای روش تنقید موشکافی هستیم و به همین جهت در جزییات امور و مسائل مداخله می‌کنیم و اسپاس مشاهدات و اکتشافات خود را با یکدیگر مقایسه و تطبیق می‌نماییم و فرضی یا اشیاء شیوه فوراً بر می‌گردد و پر به دیگر از اکثر کار شروع نموده و جلو می‌رویم و به همین جهت است که هر چه دیگر سال‌های مربوط حقیقی علمی در اروپا عوض می‌شود و انجام در پیست سال قبل حقیقت مطلق بود کذب محض تلقی می‌گردد ... "‌سفر گوییند با تزیینی خاصی که حاصل مطالعات او در تأثیرات ایران‌یا ادبیات و تاریخ و فلسفه‌ی ایران بوده، صرفاً با فکر نقد و اثر زبان‌آور عاشه که مکن و می‌نویسد:

1- لیوی‌ها، قرون وسطی (۱۳۳۳)، فارابی‌صد، به کوشش مربی امیرآبادی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، صص ۱۳۷-۱۴۳.
2- میرزا فضل‌الله خویی (۱۲۸۰)، تاریخ نریف‌خانی، ج. اول، تصحیح ناصرالدین فرخزاد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، صص ۶-۸.
3- میرزا فضل‌الله خویی (۱۳۳۳)، سه سال در ایران، توزیع دبیر مدنی، تهران، صص ۱۴۲-۱۵۳.
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی تاریخ/8

... در ایران روح تنقید وجود ندارد و از هزاران سال قبل تا کنون هیچ منتقدی پیدا نشده است که بتواند فلسفه ایران را تطبیق دهد و یا ادیان آن را تنقید نماید و بگوید که سبک فلنان شاعر یا فلان نویسنده بیشتر به این موضوع اصول استدلال و روش تنقید اروپایی به هیچ وجه در ایران نیست... 

... 

... اشاره‌گویند بکار گرفتن و پیکرت تأثیرات ادبی و تاریخی و فقیدان نیاوردن در ایران است. به ویژه تأکید بر بر از تاریخ/نویسی ایرانی است که معتقد است بسیاری از تأثیرات اثرهایی در حوزه تاریخ/نویسی مانند روش‌های تاریخ نوین و ناسخ/تواریخ، مولود فقیدان اسلوب تنقید در ایران است. هر یک از این افراد نقد علمی در ایران وجود داشته، این گونه آثار امکان پرور نمی‌یافته و تجعب می‌گنج از اینکه چگونه هدايت و سب‌های توستانه‌ای چنین تاریخ/برگی را بتویند در حالی که در اروپا به هزاران سالهایی نمی‌توانند نظریه‌های تاریخ/برگی را بتویند. یا وجودی که گویند نظرات خود را به زبان فرانسه نوشته و نوشته‌های او در دوره قاجار هیچ گاه ترجمه نگردیده، اما به احتمال زیاد به دلیل سنگینی که او با ادبیات، مورخان و اهل فرامرزی ایران داشت و در محافل ایرانی حضور می‌یافته، این نظرات را در میان آنان مطرح ساخته است. به هر چه چش اولین کسی است که به طور مشخص به فقیدان انتقاد علمی و به ویژه به نبوذ انتقاد تاریخی و آثار زبانگی آن در فراموشی و نمک‌تواری و خلاصه‌ریزی و نه گفتن در وطلبه تکرار مالات بار در نژد نویسندان، ادبیات و مورخان ایرانی اشاره دارد.

روشنفکران و تکوین و تداوم انتقاد علمی بر تاریخ نویسی ایرانی

... در نژد روشنفکران و اندیشه‌گران ایرانی نخستین کسی که پایه نقد ادبی و انتقاد علمی تاریخی را با نهاد میرزایتمیلی آخوندزاده (۱۳۹۵-۱۳۹۷، ق.) است. آخوندزاده متفکری پیشگامی

۱- همان، ص ۱۴۳.
۲- همان، ص ۲۱۰.
پژوهشنامه اخمن ایرانی تاریخ/9

مروج و مبلغ پرورش نقد سیاسی، اجتماعی و اصلاحگر دینی و تحولی خواه فرهنگی بود. اخوندزاده آثار فرداوی از خود درباری نقد ادبی در جای گذاشت. این فگنار با اقتضای موضوع صرفه‌با دیدگاه‌های او درباره انتقاد تاریخی اشنه دارد. اخوندزاده با تاریخ‌نگاری آشنا بود در نقدی که
با عنوان قریب‌کننده خطابه به روزنامه‌های ملت سینه‌ای ایران، نوشته، هم‌جو در نقد احوال سروش اسفهانی در تاریخ مورد صرفه‌با و حتی از این استفاده کردها معلوم می‌شود که دانش تاریخی
فرداوی داشته است. از آن‌ها او با تاریخ‌نگاری جدید نیز عباسقلی خان باکی خانوف مورخ شهر قفقازی سهم عمده‌ای داشت. جهت اصلی نوشته‌های اخوندزاده در باب نقد عمده‌ای مطوف انسان
کردن ایرانیان با ممنا و مفهوم نقد علمی و نقدی آن دبیری فکری و عقلانیتی و نیز نقد ادبی و
انتقال بر سنت تاریخ‌نگاری ایرانیان است. اخوندزاده در سال 1379 ق. نخستین انتقاد به شویو
علمی و جدی را بر سنت تاریخ‌نگاری ایرانیان نوشت. این نوشته که رسالتی برای نام گرفت،
انتقال ابتی ابتر شویو تاریخ‌نگاری رضاقلی خان هدایت و در این انتقاد که جریان
تاریخ‌نگاری را راهی عصر رسالتی برای بیابی گروگانی از فرستاده‌های اخوندزاده و هدایت شکل نمایدکه
است. اخوندزاده به شویو بستگی اینکار گزارشی از وضعی ناسی نامه‌های هدایت را انتخاب کرده و
بر پایه آن گفتوگو انگیزش را با هدایت آغاز نموده است. جهات اصلی انتقاد اخوندزاده
بر داخل کردن شعر در متن گزارش تاریخی و اغرافی کویی و عبارت‌پردازی هدایت در گزارش
روبداهی تاریخی است. در انتقاد از داخل کردن شعر در متن گزارش تاریخی که در یزدی‌های
تاریخ‌نگاری سننی ایرانی است، می‌نویسد: "برادر آخر من که در این شعر نمی‌خوانم. من تاریخ
می‌خوانم... با شعر خود حواس را بریتانیانت مکن، گزارش از خاطرات رفت شعر در تاریخ هدایت
از روز ندارد وانه به سه کردهای..." اخوندزاده با بینان نمونه‌های دیگری، یک ویژگی دیگر تاریخ-

1. برای آگاهی از اندیشهای اخوندزاده در سیره، اخوندزاده مژده، "نحوه فرهنگی اخوندزاده"، صفحات گوگیچ، و بی‌درد و
در سبک معاصر نوشته ثابت می‌گردد (1321) از جمله حضور و شایعات، به کوشش حسین
محمدیزاده، فردی‌پناه، صص. 289-325.
2. برای آگاهی از اندیشهای اخوندزاده در سیره، اخوندزاده مژده، "نحوه فرهنگی اخوندزاده"، صص. 289-325.
3. اخوندزاده (1321) مقالات در گردشگری نیزن. تهران، صص. 276-277.
4. اخوندزاده، "فرهنگی از اندیشهای اخوندزاده"، صص. 276-277.
5. اخوندزاده (1321)، مقالات در گردشگری نیزن. تهران، صص. 276-277.
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی تاریخ/100

نویسی سنی عقیده واقعی بر "فاطمی در نتر" را سخت مورد انتقاد قرار داده است. از دیدگاه او این قاعده، "خطای محض" است که که از اعراب به یادگار مانده و تراویح معروفی قرن تهیه و مصاح و دردی نداره و از جمله همه اندیشه‌های است. فاطمی در نتر علیه برای پیش‌بینی، تصنیف و سنجش نامربوط را بسی شده، کلام را از یک‌چنین و ممنعت اندیشه و بعث پیش‌بینی "الافاق مترادف و تکرارات کامی" و "عفانی زاید غیر واجبه" شده و کلام را از روشی و وضع در ساخته است. از دیدگاه او این گونه تاریخ نوشته که باعث زحمت خواندنی شده، هرگز ظرفیتی مورخ نیست، و ظروفیت مورخ بایان و قابل بودن تکلیف، تصنیف، قافیه پردازی و سبیل چمایی است. اخوندزاده با ذکر گزارش های دبیری نادری از افزار می‌نویسد: "جبر و مقابله شک به بابا را به‌مدت آستانه از این گزارش است." آخوندزاده در پیام کنگوی انتقادی فرآیند خود با هدایت یک‌چنین، می‌گوید که همیشه او این می‌توان کامل‌ترین جوی اشتباه پشتوانه و آموزش دهندگان را برای آشنا کردن ایرانی‌ها با مفهوم نقد دید می‌نویسد: "این قاعده در اروری متناول است و قوانین علمی در ضمن آن مدرج. مثال واقعی که شخصی کتابی تصمیم می‌کند، شخص دیگر در مطالعه تصمیم‌گیری‌ها می‌توسد به شرطی که در حال مهندسی و خلاف ادب نسبت به مسئول فرانسه به شرکت آبی برای طرف شود. ان عمل را قربانی می‌نامند. مسئول به او جواب می‌دهد. بعد از آن شخص دیگری پیدا می‌شود با جواب معنی‌داری این تصمیم می‌کند یا قول ایرانی کهن‌تر را مرجح می‌داند. پنداشته‌ای این عمل این است که رفتار رفتار نمود و نتیجه او تصمیم در زبان دو طیفه پورسیال سالمات به هم نرساند و از جمع قصورات به قدر امکان می‌رساند. گرایین قاعده... در ایران نیز متناول شود هر یکی موجب طبقه‌ای آن‌های اهل ایران...خواهد شد."

---
1 مقاله‌های فارسی، صفحه 57-65
2 همان، صفحه 27
3 همان، صفحه 24
4 احمد کریمی حیدری (۱۳۸۰)، "مطابقی تجدید در تاریخ فارسی، ترجیم مسعود جعفری، تهران، مرور، صفحه 82
5 مقالات فارسی، صفحه ۴۹-۵۰
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی تاریخ/۱۱۱

آخوندزاده رساله‌ای ابراد را برای چاب به روزنامه دولت علمی ایران فرستاد اما هرگز جواب نشد. یک سال بعد آخوندزاده مهمن‌ترین رساله‌ای خود بیان مکتب‌نامه کمال‌الدوله را نوشت. مکتب‌نامه کمال‌الدوله رساله‌ای است در پرورش‌سنجی اسلامی و انتقادی است بر مهمن‌ترین بیان‌های اجتماعی ایران. عقیده به وجود نقد سیاسی و اجتماعی که محوریتی تمام در اندیشه و فکر آخوندزاده دارد در مکتب‌نامه تجلی و ظهوری تمام یافته است. مکتب‌نامه به نوشته‌های خود آخوندزاده "کرککاست و مواعظ و نصیحت نیست". در ضمن مباحثی که آخوندزاده در مکتب‌نامه مطرح ساخته، اشاراتی نیز به شکل انتقادی تند بر شیوه تاریخ‌نويسی ایرانیان وجود دارد. در واقع می‌توان گفت آخوندزاده در رساله‌ای ابراد بیشتر به نقد ادبی پرداخته است تا انتقاد تاریخی اما در مکتب‌نامه ذکر شده است و تا حدودی به موانع فکری و درک مورخ از پیداهای تاریخی و نیز به آفات تاریخ‌نويسی ایرانیان اشاراتی صریح دارد. در آغاز، وابستگی تاریخ‌نويسی ایرانی را مورد نقد قرار می‌دهد و می‌نویسد: "وقتی که به تاریخ دولتی نگاهی می‌کنی از یک تا ختم پر از غلطی می‌یابی "۱۰ ضعف انتقادات آخوندزاده از مورخین ایرانی درباری سقط صوفيه و نادرالاه افشار است. نوشته‌های "فرنگی‌ها" را دربرم جزییات سقط صوفيان بر نوشته‌های مورخین ایرانی ترجیح می‌دهد. در انتقاد از سنت تاریخ‌نويسی رایج بر فقیدان درک مورخان از هنر و تدبیر نظامی و ادبیاتی نادر و عدم توجه آنان به علل اصلی پیروزی‌های نادر ثابت دارد. عقیده دارد که مورخان ایرانی هیچ‌گاه ندانستند نادر قبل از اشتهار که بوده و "شاغل" و "پشمال جه بود"؟ بر میرزاهمدی خان استراتاژی خرد خود گرد که هرگز ماهیت تدبیر نادر و هنر و فراست او را نفهمیده و بیشتر تلاش دارد تا قدرت نویسندگی خود را نشان دهد تا "تحکم این سر و شرافت دژ و عقل نادر" را. مورخ ایرانی که منظورش میرزاهمدی خان استراتاژی است هرگز نتوانسته علی اصلی و دقیق فتوحات و پیروزی‌های نادر را درک و تحلیل کند و فقط به این اکتا کرده است که "نادر در آن جنگ تمامی لشکر فیروز را یک کل (یا جج) قرار داده تفویقیان یاده را با توانائی خود بر محدودیت آن کرد". آخوندزاده در چندی دیگر به مناسبتی بر عبارت‌های

---
1. افتخارات جدید و مکتب‌نامه، ص ۳۷۸.
خراش و غیر ضروری و نامربوط مورخان در گزارش رویدادهای تاریخی می‌تاود و می‌نویسد: "این سه سلسله از کوارک را بساده‌سازی مراجع یاده‌اش که بر چه مسائل، در اثر جنگ‌های اجتهادی امحققانه را می‌نویسد." چنان‌که اشاره شده، آخوندزاده در مکاتباتی به انتقال تاریخی نزدیک شده است به عبارت دیگر غلامرضا امام زاده و مسئولیت و مشровعیامه تاریخ در انتقال از فن انتقال تاریخی نسبی تاریخ‌نگاری ایرانی در تحلیل و تعریف رویدادهای تاریخی و عدم درک ماهیت و سرشت پدیده‌های تاریخی نیز توجه دارد. انتقاد آخوندزاده صرف‌اً انتقاد بر سهولت انتقال تاریخنگاری هدایت و استردادی نیست، بلکه نشانه‌ای از علاقه‌های نویسنده به استقرار فکر تاریخی تقدیم گردیدن در ایران و علمی به این راه، و اولویت اول در انتقال، آخوندزاده نقش و انتقاد را از وزارت و پرداخت فکری و تمدنی می‌دانست و تلاش کرده‌است که با آن‌ها کرد. درک ایران در مقول می‌تواند تعریفی فکری و دیدگاه جامعه‌ای ایران که ساخت‌های او به آن متعارض بود شهسی داشته باشد.

آخوندزاده با نگارش رساله‌ای در ۱۳۷۸ و مکاتبات کمال‌الملک در ۱۳۸۰ انتقاد بر سهولت انتقالی نسبی را با نهادانش‌های او دربرد قریبکا در محافل روشنفکری ایرانی تاریخ و انگیزه‌های اولویتی به مسیر که جلال‌الدین میرزا در نامه‌ای خود به آخوندزاده می‌نویسد: "در این چنین روزه بیستم نمی‌توان از روی آن پرداخته و به دست‌آوری و دوستان و همکاران کشور ایران فرش‌های انتقالی آخوندزاده در ارزش دانشگران و در انتقاد انگیزه‌های تاریخنگاری، ژنراتور ایرانی هر جا که به انتقاد ادبی و تاریخی پرداخته اند تحت تأثیر آخوندزاده و اندیشه‌های او بودند و اما جریان‌های آخوندزاده با در اختیاران کار می‌باشد. در این‌جا از محبوبیت و علی کنار گذاری جدید تاریخنگاری در ایران به اوج خود رسید و شکل علیکه بجای گرفت. می‌توان افکاری که هم از آنتی‌و ادبیات سنتی برخورد بود و هم با دانش و علوم و افکارهای جدید استادانی عمیق داشت. این‌وارد است در استاندارد و افکار با آنی و افکارهای جدید، تحول فکری عمیق در ایجاد

---

1. همان، ص ۳۴.
2. علی‌افضلی، ص ۱۳۷۹، تهران، ایران کی‌پ، ص ۳۴۷، زبان کوبه، نقش‌کریم، نه غربی، نسخه (۱۳۸۷)، تهران.
3. ایران‌کی‌پ، ص ۳۴۷.
4. الهام، ص ۳۷۸.
کرمانی معتقد است ادبیات و تاریخ‌نگاری ایرانی است. اگر یا اگر این انتقادات ند و صریح بر ادبیات است. انتقادات او از ادبیات به طور کلی، ناقض است بر رویهای عصبانی و شورش بر سنت‌های فکری موجود. اندیشه‌های او در انتقاد از سنت تاریخ‌نگاری عمدتاً در زمینه سکت‌های مکتب انسکاپ یافته و در رساله‌ی ریحان پورستان افرز، انتقادات سخن و نویسندگان سنتی وارد ساختمان است. کرمانی یافته تاریخ‌نگاری را ترکی می‌داند و طرح‌های در تاریخ‌نگاری در راک‌نمود. هم تاریخ نگار جدید است و هم معتقد بر جنبه‌های تاریخ‌نگاری. دیدگاه او در دیدنی می‌گوید: "نمایندگی طفاهان علیه ستندار تاریخ نویسی و ویران کردن پایه‌های نست. موضوع تاریخ را از واقعیت و نبود سرگذشته‌های شهریار و جنگ‌ها گذراند و به تحولات اجتماعی و جیرانهای تاریخی منحرف گردیدند..." در انتقاد به شیوه تاریخ‌نگاری ایرانی و نگاه جدید به تاریخ و تاریخ نویسی، آخونزاده و سید جمال الدین اسدآبادی تأثیر فراوانی داشتند. از آخونزاده و انتقادات تاریخی او، منحصربه‌فرد. تأثیر اندیشه‌های انتقادی آخونزاده در مکتبی بوده و وضوح در سه مکتب کرمانی دیده می‌شود. در دید فلسفی و چنگیز به شیوه جدید در تاریخ‌نگاری در کتاب عوامل دیگر، سید جمال الدین اسدآبادی نقش مؤثری

1- اندیشه‌های میرزا آقا اخونزاده کرمانی, صفحه 13۲۲۰.
2- اندیشه‌های میرزا آقا اخونزاده کرمانی, صفحه 1۳۳۲.
3- بروی آگاهی از موضوع تئوری تاریخ‌نگاری کرمانی از مکتبی‌های آخونزاده, در: فردیت ادبیات. "مسیر میرزا تاریخ‌نگار. سه مکتب و سد خطابی‌های اطلاعاتی کرمانی" پنجم, سال ۱۳۵۴, شماره ۸۲, مهر و آبان ۱۳۵۵. همین رضوانی, درک (۱۳۵۴), سپاهانکوه, تهران, دیا.
4- صفحه 1۵۰-۱۱۳.
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی‌تاریخ/۱۴۰۰

داستان: سیدجمال‌الدین اشکنانی، تاریخ‌نگار و تاریخ‌نویس. او اولین کسی که اصطلاح "فلسفه‌ی تاریخ" را در زبان فارسی به کار برده است. ابا‌بیاتان از نظردان تاریخ‌نگارانی و اینکه از مکتب تاریخ‌نگاری و ایرانی‌نگاری تاریخ‌نگاری نامیده شده‌اند. او در بیشتر کارهای مرتبط با تاریخ‌نگاری ایرانی و چشم‌انداز نگاه‌های ایرانی‌یک نماینده اصلی این بخش از تاریخ‌نگاری بوده‌است.

"تأیید نه‌تنها شرح حال سلطان و چنگ و جدل و واقع و ایباق و شجعان است، تاریخ بایست حاوی حدود مملکت و اختلاف و آن ملت و کیفیت هر ایالت و قانون و روش سلطنت و مجاهدات دولت با دولت دیگر و معارفه، رجال قوم و ملت و شرح می‌باشد و تجارت رعیت و ترقی و اخلاق مدنیت و هر عصر و اسات افسار یک طاقیه و بی‌حرف ترتیبات حرف قرقره، حتی می‌توان با ایلیت و مرتب با جغرافیای بیلاد مشروحاً ضبط نماید." ۳

دیدگاه او بر توجه به حفظ اقتصادی و اجتماعی جامع در تاریخ‌نگاری و توجه به علم ترقی و اخلاق و جامعیت و انتقاد بر دربافت یک‌بخشت حساسیت مورخین از تاریخ‌نگاران. در باور کرمانی فن تاریخ درمان انسان‌آسای "جزاو افساران و اسما" بود، بدون داشتن و تحلیل و تحلیل و بنا می‌شود. اما با استفاده از تاریخ‌نگاران قانونی و جستارانی که آن را "حکمت کرمانی" و اسناد بر اساس آن می‌باشد. در جاودانی و حواشی کرمانی مورد مطالعه قرار می‌دهند. بر خلاف شرق، اروپایان در تاریخ‌نگاری پیشرفت شایانی کردند و تحقیقات علمی جدید و دقیق در خصوص تاریخ داشته که تأثیراتی نشان می‌داد که معنوی از مطالعه‌های آن‌ها به اساتد و تحقیقات و سقوط دولت‌ها بی‌رد و منشأ قدرت آن‌ها را ست‌بندی. در انتقاد از سنت تاریخ‌نگاری ایرانیان و شرقان اعیانی دارد: "تأیید کردن یک تاریخ صحت اصلی که احوال قوم را به درستی بیان کند و

---

1. غلامحسین فاضل‌الملک (۱۳۶۱)، اخمن‌تاریخ، به کوشش منصوره اخمنی‌آمیز، میرحسین، تهران، مجموعه تحقیقات و توسعه علم انسانی، صفحه ۷۸-۱۸۲.
2. سیدجمال‌الدین اشکنانی، ص:۲۰۳.
3. میرزا اخمن‌آمیز (۱۳۶۱)، تاریخ‌نگاری، تهران، بهرام، ص:۸.
4. میرزا اخمن‌آمیز (۱۳۹۰)، تاریخ‌نگاری ایرانی، سه‌گانه، به کوشش بهرام گویند، آلمان، می‌رسی، ص:۲۲۳.
5. "پیشینه سکندری، ص:۱۸۰-۱۸۱".
مجموعه‌ی آداب و اخلاق گذشته‌گان و اسباب ترقبی و اعمال او را بی‌اندازه در ارتباط و شرق نوشته‌نشده است. نوشته‌های موجود از اغلب افراد فیلیق بی‌فایده‌ای و مبهم‌ی می‌باشد. اطلاعات کافی و اطلاعات زیستی نیست. تاریخ‌نگار ایرانیان از محاکم‌های تاریخی، خالص است و تاریخ‌نگاری موجبی یادداشت‌های ایستاده‌اند است. تاریخ‌نگار عوامی یک‌میلیونی...

... از کهن‌تر ماده‌های ریشه‌ی حاصل از تاریخ آن را
کسی می‌خواند و تنها چیزی در اجوار کلمه‌ها نوشته‌نشده است. زیرا که جز جنب‌جانهای و
حضرت‌ها و نوادگان عظمی‌انشان و سلطان عظم‌الشام و شاهنشاه جهانی مبارک سیاه
و مکمل‌الملک علیه و شهیر جهانی مربوط به اقدس رسیده‌اند و اغلب
دانه‌های مفید که آن خاطرات گیتی ستان از ملت سفاهت و مستند نیمه‌ی ملت خود را بر باد
داهنده‌اند و این باعث منافقه سیاسی و ذات اقدس می‌باشند از کهن‌تر نسبت و فجور و قلمو
ابلیس رجیم‌های از دست‌گذاشته‌ای عار و استنک فرزند، ولی جایگاه متفاوت، سر افتخارات این یک‌ر
سه شرین رسانید. و فرشته کوچی‌ی را جواب گفت، آسانان آن دیگری قرار داد."

کرمانی افزون بر انتقاد بر دروغی‌ی مورخان، در چای دیگری به مو.CREATEDITY نگاری، اجتماعی و
منفعت‌طلبی شخصی در تاریخ‌نگاری ایرانی اشتهار دارد و می‌نویسد: "مورخان ایرانی مقصودشان
پیمان حقیقت و کشف واقعات... و تنها و عیرت آن‌دانکاو و دیگر چهارده گوئیفیکه و شاید موردین
نامی است نبوده، بلکه بر اغراق شخصی یا به چه‌تی فهای تفسیری، از روی می‌دانه و تمکن یا در
تحت اجبار و تضعیف سفاهات‌های سلامتی و رزالت‌های وزرا حکام را به عبارات مظنون شوده
... که گاه را به قدر کوه، جلوه می‌دهد... و در بعضی اوقات قبیله را وارون مینامند..."

از دیدگاه کرمانی، تاریخ‌نگار ایرانی از مراکز صحیح و محاکمات تاریخی بی‌پیمان. برای شاهنشاهی
فردوسی علاوه بر وحجه‌ای، وجوه تاریخ‌نگاری نیز قابل است و آن را از مرواریدناب و تاریخ‌نگاری
مقطعی صحیحی نیز دانسته و با به‌کار گرفتن بی‌پیمانی، هر کس خواسته‌ی تاریخ‌نگاری بقبول، چون از فن
تاریخ‌نگاری بهره‌های نداشت‌های لاحق به اظهار فضیلت‌های پرداخته و از عده‌های تاریخ‌نگاری برتری‌مده

1- همان، صص. 140-148
2- همان، ص. 18
3- آیین‌نامه سکدری، ص. 19
انتقادات تاریخی کرمانی چند جهت عده دارد. انتقاد بر سبک و سبزی نگارش تاریخ‌نویسان ایرانی، انتقاد از عدم درک صحیح فن تاریخ و تاریخ‌نویسی و بی‌گمان بودن مورخان از حکمت تاریخی و عدم توجه آنان به جنبه‌های مختلف حیات و زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم و فقیدان تحلیل و تحلیل در گزارش‌های تاریخی و عدم توجه آنان به اسباب ظهور و سقوط دولت‌ها و مهم‌تر، محسوب کردن موضوع تاریخ در احوال پادشاهان و سلیمانی. جهت دبیر انتقاد کرمانی بر تاریخ‌نویسان ناظر این است بر اخلاقی و دروغ‌برداری مورخان و آملق و جایپوسی آنان. از اینجاش، تاریخ را با ممور راه‌پیمایی ست و مناسبی آن با اجتماع مورد سنجش قرار داده است. انتقادات جنده سوءی و الیه پایان ندارد و در عموم مکتب به صورت مسئله می‌راید. خان استرآبادی و میرزا محمدتقی خان سپهر را مورد انتقاد قرار داده است. جهت انتقاد او همان است که گفته‌است. در انتقاد از استرآبادی، تحت تأثیر انتقاد آخوندزاده از ان مورخ مشهور عصر نادری است. از دیدگاه او استرآبادی و مورخین دیگر هر گزنتوان‌سالن تاکید کننده تداهنده و تدبیر جنگی نادر را درک نمایند، و به همین اعتبار لغو انتقادات علی پرویز های نادر را کشف کندن تا "مسرمش و دستورالعمل برای آینده پاشد" مشایخ تاریخ‌نویسی نمی‌دانسته و مقصد او نه تاریخ‌نویسی که اظهار فضیلت و تملق گویی بوده است. در تقد تاریخ‌نویسی میرزا مهدی خان، کرمانی تاریخ‌نویسی را در ربط با سوس و نیاز ای نی از جامعه می‌ستهد و معنید است: "از خواندن و شنیدن این مصافات برای ملت یا دولت چه فایده دارد زیر این اظهار صاف ساده مصد در پیشان را از این عبارات متعلق و ترهات معوج فاسد و مفسوس دارد که هیچ مناسبت به شیوه تاریخ‌نویسی و عبارت-

1. ریحان سوسوان افروز، ضمیمتش در پیوست در پارسی نازد همان، ص 382.
2. س باکویکر، ص 362-363، مقاله شوش با مکتبات، ص 5.
نگاری ندارد. به یاد او تاریخ‌نویسی استرآبادی جز تخریب مت تجزیه به دنبال ندارد و دردی نادره را چنان می‌پذیرد و معلق نشته که معلوم نیست: "تاریخ به زبان فارسی است یا اینکه متن و عقرب به زبان هندی. بعد از استرآبادی، میرزا‌آقا شاکری به‌این انتقاد با یها سویه، از آری آخن تاریخ‌نویسی بزرگ شنی می‌گیرد و تاریخ او را سر به سر به پیش می‌آورد و خودش می‌کند و می‌نویسد: "دوباره جلد بزرگ در تاریخ ایران و اسلام نوشته است که یک پر از افسانه‌های زبان و میال‌نامه سردردها و مهجوری خرافات آیات که سرتاسر آنها دو عبارت واقع و مطلق منطقی ندارد... آیا حضور کسبه و زعج جنگ جنگی قناع قات خشونتی فتح‌الله هم گزینه، تاریخ است. میرزا‌آقاکان کرمانی پای تاریخ اروپایی نیز اشنا بدست و در انتقاد از سنت تاریخ‌نویسی ایرانی، نالش دارد تصویری نیز از تاریخ اروپاییان به دست بد. از دیدگاه او فن تاریخ‌نویسی به همراه "فن پوپیزی [شعر] و لیتراتور [ادبیات]" در میان اروپاییان پیشرفت شیانی کرد، و از ترکی آن فواصل بسیار و تماشای پی شمار به دست آمده است. تاریخ بیرون و روم، با ایکه از تخصیص خالی نیست. به برد بنام مشوق مزید و برجان دارد و از حکمت تاریخی پی‌برد و خالی است.

کرمانی جران انتقاد بر سنت تاریخ‌نویسی را که با آخوندزاده‌های کاری شده بود ترکیبی داد. داویدی آگاه و دانش تاریخی او از آخوندزاده و سیاست بود. انتقاد او از تاریخ‌نویسی‌ها و نظام فکری حاکم بر تاریخ‌نویسی‌ست که بسیک، تو و موضوع تاریخ‌نویسی‌ها را در بر می‌گرفت. او این "اندیشه‌های مبنی" که به چون و اثر تاریخ‌ای را در ریث با سو و زبان آن برای جامعه و کارکرد اجتماعی آن مورد سنجش قرار می‌داد به‌همین مسئله داشت. کرمانی نخستین مورخی است که در تطبیق تاریخ‌نویسی جدید اروپا با تاریخ مشوق زمین، از فقدان تاریخ سکنی مبنی برخک طی تاریخ در شرق و ایران سخن گفت و تلاش کرد تا با نگارش "آیونی سکندری" به زبانی ساده و سردی با برآمی تاریخی، در هر عصری دلایل ترکیه و ترکی، و موجات سعادت و انحاطات ملت ایران را اشکال افرین. کرمانی نخستین کسی است که با دید فلسفی و روشن علمی..."
به نگارش تاریخ ایران همت گمارد. در صرف‌نظر از پاره‌ای نکته‌های محل بحث در میهمانین اثر تاریخ‌نویسی او، آینه‌های سکندری، می‌توان کلامی را نقطه‌ای عزیمت تاریخ‌گذاری نوین ایرانی دانست. ۱

جراحان اقتدار تاریخی به تدریج به حیطه‌ای اندیشه‌گران اجتماعی و سیاسی ایران در دهه‌های نخستین قرن ۱۴۰۰ نیز کشیده‌شد. دیدگاه‌های انتقادی، سیاسی و اجتماعی، حوادث و ادیب‌ها، و تاریخ‌نگاران را نیز در بزرگ‌ترین و هر آنچه که جهان کهن‌گی و پیوستگی با نظام و پاورهای سنتی حاکم داشت، شایسته‌شوند قد و اصلاح تلقی می‌گردید. جهت اصلی انتقاد انیشه‌گران اجتماعی و سیاسی ایران در این خصوص عدم‌ای جنب شک مصنوع و متفاوتی که در آن‌ها نگارش ادیبان و نویسندگان سنتی بود و در این میان تحت تأثیر جراحان اقتدار تاریخی اشاره‌شده نیز به معایب و اصلاح شوری تاریخ‌نویسی گردید. از میان این انیشه‌گران می‌توان به حاج زین العابدین مراغه‌ای و میرزا عبدالرحیم طالبوف تیربیزی از پیشروترین منتقلین سیاسی و اجتماعی عصر قاجار اشاره کرد.

حج زین العابدین مراغه‌ای(۱۲۵۸/۱۳۲۸ ق)، معتقد شاخص و بریسته‌ی جامعه و سیاست ایران عصر قاجار در ضمن بیان انیشه‌های ترقی‌خواهانه، انتقادات و بیدارگرایانه‌های خود را در کتاب ارزشمند سیاست‌نگاران ایرانی‌شهری به کار رسانده است. رمان اصلی اجتماعی و سیاسی را از نوع اروپایی، دانسته و آن را تیپ‌های که در تاریخ‌نویسی دارد، تاریخ‌نویسی سنتی، و نیز سگن و متکلفان را به باد انتقاد می‌گردد. در ضرورت نقد در جامعه و نتایج مثبت آن می‌نویسد: "اگر مولفین و شعرای ما به مفاد دوست‌اند آن است که عیب دوست را همچون آینه روهمزش دو، عمل می‌ندومند، ملت این گفت نمی‌شود. اگر ادبیات ما... خیابان خیانت نمایشگاه اگر کردن و کسی را کیا اختیار جوانه درد و ملد بود، محض نمای خوانندگان، خیانت را از امانت تمیز می‌دانند... بهینه سختی گفتار نمی‌شود. ۷ مراغه‌ای در جای دیگر بر اهل قلم و مورخان خردب می‌گرد که

۱- بر حسب تحقیقاتی این نوشته بر انتقال تاریخ‌نویسی به از دیدگاه‌های تاریخ‌نگاران و روشن‌های علمی در نگارش تاریخ و تاریخ‌نویسی، اطلاعی از به‌هم‌بودن این دو بخش نمی‌تواند در بیان حقوقی و روش علمی در نگارش تاریخ و تاریخ‌نویسی نگرفته شود. در این جهت، اندیشه‌های سیاسی‌مذهبی کرمانی بخش ششم
۲- یحیی آقازاده(۱۲۵۵/۱۳۳۳، از سیاست‌نگاران تاریخ ادب فارسی) چندین، نظریه، شکل‌گیری کتاب‌های جدید، ص.۱۸۴
۳- زین العابدین مراغه‌ای(۱۲۵۸/۱۳۲۸، سیاست‌نگاران ایرانی‌شهری، بنیان کتاب‌نگاران از کتاب‌سازی تایپیست، ص.۱۸۴
پژوهشنامه اخمن ایرانی تاریخ/19

در نوشته‌های خود بیان ساده و قابل تاریخ‌ی را فنای اقتزاف و لغت‌برداری و تصنیف می‌کند، می‌نویسد:

"در کتاب و مراحل‌ات آن قدر عبارات و افکار مغالطه مخلوط به مطلب کرده‌اند که کتاب و
مکتوب‌ها نیز نمی‌پذیرفت. اگر یک ساعت یک خیال متفاوت در می‌گردد، نمی‌تواند نه بن به
دیده، تاریخ و فصل را خواندید که که آن به خاطر نارادم. آدم باین‌وی اطلاعات مثل حمال حطب، در
وعوض آن قدر زحمت، بخود مایه‌های شیمی‌ی می‌گذارد. کسی نیست که بخواند و نويسته‌ها را
شیم‌می‌کند. چرا این‌ها متفاوت نمی‌شود چنین چه جمعی کرد و چه ظلم‌ها نموده و برای چه کرده و
هلکو که ... زالی یخوده ... مصنف هم جز قلی‌قلی‌جویی و لغت‌برداری منظوری از این معنی
نداشته است."1

اندیشگر دیگری که در ضمن انتقادهای سیاسی، اجتماعی خود از وضع ایران، اصلاحات،
و تاریخ و نظر ایرانیان را از ضروریات می‌دانست، میرزا عبدالرحیم طالب‌نژاد (۱۱۵۰/۱۳۳۹ ق) بود.
او از نخستین کسانی بود که به نظر کتب علمی به زبان ساده و همه فهمه می‌گفت. طالب‌نژاد را
به همین اعتبار از بیان‌گذاران نفر اولیه فارسی دانسته‌اند. خود او نیز خواستاد آن بود که
"مهندس انسانی جدید" خوانندگانش. طالب‌نژاد نیز به مانند آخوندزاده‌نیز (کربیکه) را از عوامل
ترقی و اصلاح جامعه می‌دانست و تلاش‌کرد معاون ملی متفاوت با برای هموطنان خود به زبان
ساده توضیح دهد. توکات به می‌توان از محسوس‌یار مهم گفتمان طالب‌نژاد نامیده‌اند. جهان‌نامه
انقلابی از آن‌ها امکان است. برای این‌ها انتقاد ادبی، انتقاد بر شباهت تاریخ‌نویسی و نیز استفاده از
عبارت‌برداری در ادبیات و تاریخ در بر می‌گیرد. در آثار کتاب احمد می‌تویسد: "انسان از آن روز
انسان شد که لفظ چون و چرا گفت و ماهمت هر چیز را جستن گرفت. از دیدگاه طالب‌نژاد
(کربیکه) کمی "تشریح معاون و محسات" و آن سرجام و اساس تراز و یپرفیت به سوی
تبدیل است. می‌نویسد: "اگر در اعمال و اقوال دیاری مانده ملی "کربیکه" کمی تشریح معاون
و محسات نباشد در آن ملت تریقی نمی‌بود. پی تشریح در روی کرده زمین یک ملت مندنه

1 سیاست‌نگار ایرانی‌بیگی، صص ۲۷۳-۲۷۴.
2 همکاری، نه شباه، اسلامی، ص ۲۸۸.
3 میرزا عبدالرحیم طالب‌نژاد (۱۳۱۱/۱۳۸۰) زاده و سیاست‌نگار، کوشش ایرانی افشار، تهران، وحدت، ص ۲۵.
4 کتاب/ایندیک هدر سفید، ص ۳، به تقلید از فرصت‌های وحدت، روزنامه‌نویس ایرانی، ص ۸۶.
نظرگاه طالبوف، کوششی است بدن ترکید تحت تأثیر آخوندزاده، برای آشنا کردن ایرانیان با مقوله‌ی نقد و نتایج و سودمندی‌های آن در ترکیب و اصلاح فکر و عمل ایرانیان، طالبوف بعد از توضیح ساده‌ی مفهوم نقد و تأکید بر ضرورت آن، به حوزه‌ی انتقاد بر شیوه‌ی تاریخنویسی ایرانیان وارد می‌شود و نکات ارزشی و بی‌بی‌عر را مطرح می‌سازد. از دیدگاه او ایرانیان ممنوع و مفهوم تاریخ را نمی‌دانند و چون نمی‌دانند تاریخ نویسی ایرانیان نیز بی‌معنا است و به همین اعتبار معتقد است "اگر گوییم تاریخ داریم خود را فریم‌تانم. " به عبارت دیگر از نظر طالبوف، افت تاریخ و تاریخنویسی در ایران از ناشناختگی مفهوم واقعی تاریخ است "افتد نبود پن از ناشناخت". به نظر می‌رسد از نخستین کسی است که به فقدان مفهوم و معنی‌ای تاریخی جدید در نزد ایرانیان اشاره می‌کند. در بیانی سنجدی‌ها می‌نویسد:

"تاریخ در همه‌ی سننی عالم هست و خواهد بود، مگر در زبان فارسی، این عبی برگ و نقص کبیر ما وقتی اصلاح می‌شود که کتاب که در زبان فارسی نیز به‌اشکالی باشیم. به این معنی که لفظ تاریخ هنوز در وطن ما معناش مجهول است. هر وقت کتاب که معنی او را معلوم نمود یکمل می‌شود از آن هر چه بی‌معنی نیز به معنی‌ای تاریخ نویسند، زیرا اگر بعد از دوست سال یک چنین یا واقعه، تاریخی مثا را پیانی اسامی بالب و مثل بی خاطر و صائب را خواهی داشت و مکرر القاب غرب و عجب را تذکر خواهی نمودی وی‌ها واقعه در عهد کدامین شاه است و معلوم نخواهد شد، زیرا به جای نام داش "خاقان ممفور" و "پادشاه ممور" و "یا حضرت خلیفه‌ی غازی" و "بهادرخان" و غیره نبود. این که تاریخ است؟ با این همه باید نقل کنیم، اگر اصل مطلب را صحیح و ساده می‌نوشتند که به مطالب مستقیم لامحاله‌ای در میان القاف غیظ و تملق آمیز یکجا مفقود نمی‌شد، مگر تاریخ واقع نادرد. حاکم از صدیک شجاعت و

[۱] آزادی و سیاست، ص:۱۰۰.
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی تاریخ/۱۳۹۱

تمایل فوق العاده اواست؛ هو کم سفر نادرداشرا را به هرات و هند و تداخل صنایع ای او در عبور پنجاب و مقابل مجددها و فتح دهلی در کتیخ خواندها، حکی دارد درقه مولف را حک و اصلاح نمی‌توان و همچنین هر فارسی‌خانه که اقلا تاریخ ایران سراج سفیدی را در زبان فارسی دیده، باز به حک و اصلاح دقت مولف محق است. و اگر وی همهم تاریخ داریم خود را فریب‌تان

ملاحظات و تأملات طالبوف سنجدیه و بیدع است و البته تحت تأثیر میرزااقاخان کرمانی در سه مکتب: طالبوف افزون بر اینکه به فقدان معنا و مفهوم جدید تاریخ در زبان فارسی چنان بین گفته اش راه دارد، در صورت نقد گزارش مورخین ایرانی و حتی تاریخ ایران سراج سفیدی را که نسبت به تاریخ ایرانی نسبتاً علیم است، نیز گزارش می‌کند و حق خواننده مطلع و آگاهی دانه که نگاه اندازه را تاریخ داشته باشد، نکته جالب عبارت "تاریخ ای" است که طالبوف آن را به کار گرفته است. دیدگاه در تاریخ طالبوف در کتاب مسالک المحسنين و سیاست طالبوف نیز انکاکس

یافته است. در انتقادی تنده از نوشته‌های ادبیات و مورخان سنتی ایران می‌نویسد: "آنها جز افسانه و دروغ کتابی ننویسند و... کتاب ادبیات ما همه حاکی تملق و چالوسی و تحمل ظلم و قفس و استبداد و اجبار است." در سیاست طالبی در حمات از اقدامات امیر کیبیر تاریخ نویسی سیه‌رای زیر سوال می‌برد و ترجمه و منفعت طالبی او برداشته است. می‌نویسد: "اگر سیه‌رای برای اینکه دو هزار تومان از مواجه او که یک نفر مستوفی بود کاسته، همه‌ی کارهای او [امیرکیبیر] را به عنوان میرزااقاخان نوری بسته و ساخت کافیت آریا یا پاک شسته، معلوم است رویت باز آگاه نکاهد...".

چنانکه اشاره کردم طالبوف تحت تأثیر کرمانی به انتقاد از شیوه تاریخ‌نویسی ایرانی پرداخت و متذکر نکات جالی در تاریخنگاری فارسی گردید، او به مانند مراغه‌ای تاریخ‌نویس نود، بلکه منتقد برجسته اجتماع، سیاست و فرهنگ ایرانی به شمار می‌رفت و از این زاویه، تاریخ‌نویسی و ادبیات را به عنوان یک پیده اجتماعی و فرهنگی مورد انتقاد قرار داد. نقش مراغه‌ای و مخصوصاً طالبوف در ساده کردن نفر فارسی در ضمن انتقاد از نوشته‌های مصوع و بر از تصنع

1. کتاب احمد با سفته‌های طالبی، ص ۲۴۵؛ بی نقل از روشنگار ایرانی و تقدیم، صص ۳۱۱-۲۳۱، مقایسه شود با: آیینی
2. مسعودی، صص ۱۸-۱۹.
3. مسعودی (نیا) مسائل المحسنين، به کوشش محمد رض ونیو، کلاته خور، ص ۳۴
4. مسعودی (نیا) سیاست طالبی، به کوشش و بیوگرافی نویسی و علی کتابی، تهران، علم، ص ۱۲۴.
پژوهشنامه اخمن ایرانی تاریخ/۲۲

و تکلیف ادبیان و مورخان ایرانی نقش برجسته و تأثیر‌گذاری بود. افزون بر این در برخی رساله‌های انتقادی عصر قاجار نیز پرآرای انتقادها از شیوه‌ی تاریخ‌نویسی رایج دیده می‌شود که از مبانی اخلاقی سیاسی، اجتماعی و هم در جرگه‌ی مورخان قرار داشت. عمداً مطوف اندیشه‌گران و متفکران سیاسی و اجتماعی ایران بود. انتقاد بر شیوه‌ی تاریخ‌نگاری به تدریج به حیله و میان مورخان ایرانی عصر ناصری نیز کشیده شد و ضرورت اصلاح آن از ناحیه‌ی برخی مورخان با وجود اینکه ریشه درست داشتند، احساس گردید. به جهت طولانی‌شدن این مقاله نمونه‌هایی از تئوری انتقادی تاریخی در برخی مورخان دوره ناصری را به دست می‌دهیم و می‌گذیم.

میرزاحمدادجعفر خورموجی حقایق‌نگار، از مورخان دارای استقلال فکری بسیاری، از نخستین کسانی است که در آثار خود انتقاد از شیوه‌ی تاریخ نویسی رایج و دشواری‌های تاریخ‌نگاری و درخرشنده قرار داده است. خورموجی، حقایق‌نگار را که نخستین تاریخ‌نگار است که در آن حضور ملت ایرانی که گزارش شده است. به سال ۱۲۲۶ ق. به رشته تحریر درآورد، در سال ۱۲۹۸ ق. نیز تاریخ‌نگار را نوشت. دیدگاه‌های او به ویژه در کتاب اخیر، انتقادی است از ناحیه تاریخ‌نگاری و استادی و دوستی دوری قرار. به عقیده او "تاریخ را با نگاهی به فناوری نوشته." و انتقادی که ابتدا تحریر و اظهار نیست، نابود در تاریخ گزارش کرد. از دروغ‌پردازی و تاریخ‌زی مورخین قاجاری از اینکه به دستور صدراعظم میرزا آقاخان نوری، درصد برآمدند تا نسب پایین‌یکی از زنان ناصرالدین شاه برای میهمی‌می‌گردید، وی...

۱ "رساله شرح عوبو و علاج نواقص مملکت" به نقل از انوشیرو نیک و حکمت قانون، ص ۳۷: افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار مشترک نفرتی دوری قرار، ص ۴۵-۵۸

۲ میرزا محمد حسن خورموجی(۱۳۷۸)، تئوری‌النگار، با تصمیم سید علی اکبر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه و مرکز استاد مجله شورای اسلامی، صص ۱۸۶-۱۸۱
نستی خود صدر عظم را به یکی از یاران حضرت رضا به پیامبر، خرده می‌گیرد و آن را نامی از اجبار یا مزدوری مورخین می‌دانند و اشاعه می‌کند. اگر صدر عظم عزل نمی‌شود، نسب ارا او به خود حضرت رضا می‌رسانند. اردیبهشت مورخی مطلع و آگاه بود و بر همین اساس نویسندگان قاجار را ارزیابی کرده و از میان آنان متأخر سلطانیه دلنی و تاریخ دژکلیه خاویری را معتبر و صحیح می‌دانند و درباره تاریخ دیگر می‌نویسد: "سایر اشعار بازتاب ماده منفی و مذاهب شاعرانه انتقاد بر شیوه تاریخ نویسی به دستگاه دولت و مورخان اشعار دولتی دوره ناصری نیز کشیده شد. محمدحسین خان اعتقاداً اسلام‌نگ خو" نخستین کسی است که تاریخ و تاریخ نویسی را در شمار علوم و معروف یافته تام برده و به صورت "صحیح علم تاریخ" تأکید کرده. از دیدگاه او این "فن شریف" در ایران صعب ظرف مانده است و اولویت بیشتر "علاقه و افسانه و خرافات" به همین سبب اعتقاداً اسلام‌نگ خو این تاریخ نویسی را "بر اساسی جديد و طراحی بیدع" استوار سازد. اعتقاداً اسلام‌نگ خو از نواحی تاریخ نویسی بیشترین، تاریخ نویسی را از شرح حال سلاطین و جنگ و صلح فرائر می‌برد و به "شرح حال ایران" توجه می‌نماید. افزون بر آن سعی دارد ترکی مملکت و رومن و نوپرسد بود تا ابتدایاً به تاریخ، گزارش نماید. او تلاش فرنوردی کرد تا هم موضوع تاریخ را از شرح حال باشتهای خارج سازد و هم اینکه زبان ساده و روان در گزارش تاریخ به کار گیرد و "رسم مقفل نویسی و قید به صبخ و افکاری را بر- انداز " معلومهای لاگرگاه نیز در طیف مورخان سنتی و دولتی درم که در دوره مظفری سعی کردن تا در حد امکان از تاریخ نویسی سنتی روی بزنده و به اسلوب جدید، تفر روان و ساده و نیز

-----
1. همان، صص 120–131.
2. همان، صص 299.
3. همان، صص 312.
4. اعتقاداً اسلام‌نگ خو، مراحل، نواسی و پرهاشم محدث، ج 10، تهران، دانشگاه تهران، ص 3.
5. همواره، تاریخ مظفری، صص 16–18.
6. اعتقاداً اسلام‌نگ خو، مراحل، نواسی و پرهاشم محدث، ج 10، تهران، دانشگاه تهران، صص 16–18.
موضوعات جدید تاریخ نویسندگان غلامحسین افضل الملک که خود تربیت یافته‌ی اعتمادالسلطنه و "مروخ دونیه" به شمار می‌رفته، تلاش دارد تا در جای یکی کتاب خوبی را درست گویی و پررهیز از "اغراق بر فاقدان" و تملق و چاپ‌پس در تاریخ نویسی خود تاکید کند. اما نیز بر مشکلات و دشواری‌های تاریخ‌نویسی در ایران جامعه دارد. افضل الملک تاریخ خود را "به زبان قوم و بیان یوم" نوشته و تلاش کرد به زبان ساده و روان جزییات روبدایار کره‌های مفهومی را تا سال ۱۳۷۷ قمری گزارش کند. از دیدگاه او اغلب سه هزار دیده و مورخ در تهران آن روز مایه اعلی، تدارک و اگر مقدمه‌ای این خلقان را بخوانند، از درک آن عجیب می‌ماند و این‌بارز از آنکه تاریخچه را خوب درک نمی‌کنند. به یک نمونه در تاریخ‌نگاری معلی ایران اخیر دورهٔ قاجار نیز اشاره کنم که یکی از اولین که جزییات تاریخ‌نگاری به میان تاریخ‌نگاران مخلوط ایران نیز راه یافته بود، میزرا شکرالله سنندجی‌نامه ۱۵۸۳ به تاریخ و جغرافیای کردستان در سال ۱۳۱۹ قمری به نکاتی در تاریخ‌نگاری خود اشاره دارد که اشاره‌های فکری تاریخ‌نگاری جدید، در میان تاریخ‌نگاران ایرانی دارد. و تاریخ کاتبی را نوشته‌ای از روز حیف و میل، می دانه و تاریخ‌نگاری را وسیله‌ی مداخله و سیب معانی موردین. این با تاریخ‌نگاری را بر تملق و تلقی، گناهانه و حقایق و تاریخ را صادقانه نگاشته‌اند. از دیدگاه میزرا شکرالله، تاریخ فقط گزارش حال حکام و شاهان نیست بلکه در تاریخ‌نگاری، می‌باشد مطالبی را اردو که مقید به حال عامت و مشتمل مصالح دوست و ممت باشند بدون پردازی ملاحظات. میزرا شکرالله که تاریخ یا چاپ‌گاه ارزندگانی در میان تاریخ‌نگار ایران و کردستان دارد به نکاتی اشاره کرده است که نشان از روز بر تافتن از سنت تاریخ‌نگاری که به کاهش نسبی بود. توجه به گزارش احوال طبقات و گروه‌های مختلف جامعه و جایی برای آنان در تاریخ باید کرد و موضوع تاریخ را از گزارش حال پادشاهان به گزارش حال عامی مردم سوی داد، نکات ارزندگانی است که او اشاره کرده است. او نیز تحت تأثیر جریان نو، از قافیه‌سازی و سخن پردازانی در گزارش

1. افضل الملک، صص ۱۳۱، ۱۸۱، ۳۲۳.
2. همان، ص ص ۲۳۹.
3. همان، ص ص ۳۲۳.
4. میزرا شکرالله سنندجی (۱۵۸۳) تحقیق نامی، مقاله و تصمیم جشن‌های مذهبی تهران، امیرکبیر، ص ص.
توجهگری

جراح انتقاد بر سرتاریخ‌نویسی کهن ایرانی‌ها، جراحی جدید، سنگ شکنانی و علمی بود که تحت تأثیر آشناپایی ایرانیان با اندیشه‌های فلسفی و عقلی جدید اروپا و برخی آثار تاریخ‌نگاری نوین اروپایی که به فارسی ترجمه شده بود، در دوستان میانه قاجار، در بین اندیشه‌گران سیاسی، اجتماعی ایران و منتقدان وضع فکری عصر به وجود آمد. این جراحان محصول تحول ذهنی و تحول در دنیا انسانی و افق فکری ایرانیان در نسبت با باورها و عقاید سنتی و ریشه‌دار حاکم بر نظام فکری ایرانیان نیز بود. دورهٔ ناصری در ایران، سراغ‌گزارپر کرده، از این طریق بود که نهایت رهبری و وابسته‌سازی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم به دلسوزی و این دوره از اتابکان منتقدین آن‌ها به انیمیشن‌های جدید سیاسی، اجتماعی که به ویژه مایل و فکری ایرانیان داشتند به‌گونه‌ای که به معنای اقتدار و ابزار ادیبی و تاریخ‌نگاری سنتی به عنوان یک پدیدهٔ فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار و مکتوب‌تکی از اقتدار جدید و علمی مصور می‌شد و اندیشه‌گران ایرانی آن‌ها به تحولات جدید فکری و فلسفی غرب به‌صورت بهتر بر تاریخ‌نویسی سنگین ایران و ویژگی‌ها و نمایش فکری حاکم بر آن تأثیر داشتند. در سال‌های اخیر، دورهی قاجار شاهد جراحی که سوی بیشتری در انتقاد از شیوه‌های انرژی‌نویسی سنتی ایرانیان هستیم. اما باورها و نظام فکری حاکم بر تاریخ‌نویسی سنگین ساخته‌شده از این بود که با این انتقادهای کم اثر در آن شکاف و رخته ایجاد گردید. اما آن‌چه به نشانه‌هایی از ضرورت توجه به اصلاح شیوه‌ی تاریخ‌نویسی ایرانیان به شمار می‌رفت و آن‌چه که در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگرپذیری سنگین ایرانیان شکاف‌بندی و اهمیت ایجاد کرد، جراح انتقاد علمی و جدید‌بینی بر آن‌ها بود تاریخ‌نگاری جدید اروپا و انپارسی‌های جدید سیاسی و اجتماعی غرب بود. پایه‌گذار انتقاد علمی بر ادیب‌های و تاریخ-
بی‌توجه‌سازی اخمن ایرانی تاریخ/26

نویسی ستی ایران، میرزا فتح‌علی آخوندزاده است. او با نگارش رساله‌ای بر ادبیات و تاریخ‌نگاری را بنا نهاد. تحت تأثیر او و سیدجمال اسدآبادی هنوز تاریخ‌نگاری و منتقل تاریخ‌نگاری‌های ایرانی سیاسی، میرزا آقاخان کرمانی که دانش‌های وسیع و عمقی تری نسبت به آخوندزاده داشت، با نواوری و ابتکار جریان انتقاد بر ستی تاریخ‌نگاری‌های عصر که تاکنون تاریخ‌نگاری، یک‌نوایی هزارساله‌ای ایرانی بود را ترک داد و تکامل بخشید. او همچنین نخستین تاریخ نویسی ایرانی است که با اندیشه فلسفی و تفکر جدید تاریخی، تاریخ نوشته و با ایجاد تحلیل در سیاست، نظریه، موضوع تاریخ و تفکر تاریخی، پایه تاریخ‌نگاری جدید ایرانی را یافته. اندیشه‌های و منتقلان سیاسی اجتماعی ایران در اواخر دوره ناصری جویان از منابعی برای تحلیل و ابزار دیگر طالع تأثیر آخوندزاده و کرمانی جریان انتقادی نسبت به ادبیات و تاریخ‌نگاری‌های عصر را به آتنا ساده و همه‌های خود تا حدی به سطح عمومی جامعه ایرانی کشانده و دایرکه تأثیر و رواج آن را ویار دادند. با گسترش این جریان جدید انتقادی، در بین مورخان حرفه‌ای و ستی ایران دوره‌های ناصری و دوره‌ای مفحلی نیز فکر توجه به اصلاح معیوب شیوه‌های ستی تاریخ‌نگاری ایجاد شد، و مورخانیان مانند خورشیدی و به ویژه اعتماد السلطنه با وجودی که مرخ دولتی بود، درصد بر آمادگی تا ضمن انتقاد بر ستی تاریخ‌نگاری رابط عصر، از اصلاح شیوه‌های تاریخ نویسی از ابتدا نه و سیاست موضوع و فن تاریخ‌نگاری کوشیدند. جریان انتقادی و توجه به حیله‌های تاریخ‌نگاری محلی ایران نیز کشوره شد. به‌نظر می‌رسد تاریخ نویسی ایرانی که ریشه‌ها موحش و دیرپا داشت توانست خود را از تحولات و تغییرات تدریجی چندینی که در جنبه‌های مختلف فکری و مادی زندگی انسان ایرانی از دوره ناصری به بعد شکل گرفت، بر کنار نه گذار فتح نظام کرد و به عنوان یک تیپ خاصی فرهنگی و اجتماعی خواسته‌ای ناخواسته با این تحولات همراه شد و در سیاست، نظریه، دانش، گزارش رویادها، موضوع و فن تاریخ و تاریخ‌نگاری چهار تحلیل‌گرید.
The evaluation of the Criticism of Traditional Historiography in Iran in the Qajar Era

Abbas Ghadimi Gheydary

Abstract:

Near the end of the reign of Naser al-Din Shah and during the reign of Mozaffar al-Din Shah, the traditional historiography of Iran changed into a more modern form. This change occurred thanks to contact with modern European scholarship. Mirza Fath Ali Akhoundzadeh and Mirza Agha Khan Kermani were the first learned men who applied modernism in historiography, others followed in their steps. In this article this trend has been explained in detail.

Keywords: Qajar dynasty, historical criticism, elite, historians, traditional historiography

'. Assistant Professor of History, Tabriz University
فهرست منابع و مآخذ

- آجودانی، ماهالله (١٣٨١)، با مرگ یا تجدید، تهران، اختران.
- آخوندزاده، میرزا مطهرالله (١٣٥٧)، تجربه جدید و مکتوبات، به کوشش حمید محمدزاده، تبریز، چهار.
- (پناه)، مکتوبات کمال الدویله، به کوشش م. ب. موسی، ب. چا، تهران، گناه.
- (١٣٥١)، مقالات، گیراوردی باقر موسی، تهران، آوا.
- آدمیت، فریدون (١٣٥١)، انديشه‌های ترکی و حکومت قانون عصر سه‌سالار، تهران، خوارزمی.
- (١٣٤٩)، انديشه‌های میرزا اخوندزاده، تهران، خوارزمی.
- (١٣٤٦)، انديشه‌های میرزا اخوندزاده، تهران، کتابخانه ملی، تهران، گناه.
- (١٣٧٨)، امیرآبادی و ایران، تهران، خوارزمی.
- "سه مکتوب میرزا تحملی، به کوشش صد خطابی میرزا اخوندزاده کرمانی، به سال ١۹، شماره‌های ٧ و ٨ مهر و آبان ١٣٤٥، نشر مدرسه‌های قاجار، تهران، آگاه.
- آرینور، یحیی (١٣٥٢)، از صبا تا نیما، تهران، گناه.
- (١٣٤٥)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در اثر منتشر شده دوران قاجار، تهران، آگاه.
- (١٣٦٣)، سه‌سال ادب فارسی، تهران، شرکت سهامی کتابخانه حبیب.
- اسماعیل رضوی، محمدحسن خان، تهران، دنبای کتاب.
- (١٣٧١)، در تاریخ ایران، تهران، اطلس
- احمدی، تهران، اطلس.
پژوهش‌نامه اخمن ایرانی تاریخ/۲۹

- محدث، تهران، دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج، (۱۳۸۱)، "المانیی به تاریخگذاری ایرانیان"، نامه‌های دکتر محمود افشار، تهران، نشرت‌نگاران، تهران، نشرت‌نگاران ایران.
- انوار، عبدالله، (۱۳۶۹)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ملی ایران، تهران، کتابخانه ملی ایران.
- اداره كل کتابخانه‌های وزارت فرهنگ و هنر.
- پارس‌نژاد، ایرج، (۱۳۸۰)، روشنگری ایرانی و تقلید، تهران، سخن.
- خاوری شیرازی، میرزا فاضل الله، (۱۳۸۰)، تاریخ دو قرن، تصحیح ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد و کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خورموجی، میرزا محمدجعفر، (۱۳۸۰)، تهذیبت، تصحیح سیدعلی آل‌داد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد و کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رایت، دنیس، (۱۳۸۴)، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجومه کریم امامی، تهران، نشر نو.
- رحمانیان، داریوش، (۱۳۸۷)، سیدجمالالدین اسکندری، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رضایزاده ملک، رحیم، (۱۳۸۴)، سوسن شاه‌دولي، تهران، دنیا.
- رئیس‌نیا، رحیم، "عفافی برادرشها و آثار عباس‌قلی آقای فاضلیدوکابکخانوی"، فصلنامه- ی تاریخ روابط خارجی ایران، سال سوم، شماره ۱۲، تیر ۱۳۸۱.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، تقدیم، تهران، ایران‌کی‌بی‌کی.
زور، پیرامد (۱۳۴۷)، مسافرت به ایران و آمریکا، ترجمه محمود مصاحب، تبریز.

چهره.

سندجی، میرزا شکرالله، (۱۳۷۵)، تحقیق ناسیر، مقابله و تصویب حضارت الله طبیبی، تهران، امیرکبیر.

شیرازی، میرزا صالح، (۱۳۶۴)، مقدمات به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر طالبی، میرزا عبدالرحیم، (۱۳۸۷)، ادبی و سیاست، به کوشش ایرج افشار، تهران، سحر.

-----

کلاله خاور.

-----

(۱۳۵۷)، سیاست طالبی، به کوشش رحیم ریس‌نیا، محمدعلی علی‌نیا و علی کاظمی، تهران، علم.

فضاهی، محمدضا، "هشت ترجمه در عهد قاجاریه"، تغییر، سال نهم، شماره‌های ۹۹ و ۱۰۰، مرداد و شهریور ۱۳۵۲.

قزوینی، ابوالحسن، (۱۳۶۷)، فارابی‌سفویه، به کوشش میرمیراحمدی، تهران، موسسی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کرم‌سیف، میرزا آقا‌خان، (۱۳۶۷)، آیت‌الله سکندری، تهران، بی‌جا.

-----

(۲۰۰۰)، به کوشش حسن چوبی‌نیا، اسپ (آلمان)، نیما.

کریمی حکاک، احمد، (۱۳۸۳)، طلیبه تقدیر در شعر فارسی، ترجمه مسعود جعفری، تهران، مروری.

گوپینی، نوزدف آریوست، (پی‌تا)، سه سال در ایران، ترجمه ذیح الله منصوری، تهران، فرخی.

ناظری، هما، (۱۳۸۹)، ایران در زمان‌های فرهنگی (۱۴۲۵-۱۸۳۴)؛ پاریس، خاوران.

منزی، احمد، (۱۳۷۷)، "بند و بررسی کتاب‌های از تاریخ"، ارچم‌های ایرج، به کوشش محسن باقرزاده، تهران، توس.
- مراغه‌ای، حاجی‌زین‌العابدین، (۱۳۸۴)، سیاستحامه‌ای ابراهیم‌پور، به کوشش محمدعلی سپاهی، تهران، آگه.
- وحدت، فریبرز، (۱۳۸۳)، رویارویی فکر ایرانیان با مدرنیت، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، فنوس.